



صفر المظفر سنه ۱۳۰۱

نمره چهارم

قیمت نسخه کثیران سالیانه یک تومان دو هزار دینار

این روزنامه شرفه ماهی یکت نمره بطبع میرسد



نواب مستطاب شرف ارفع اعظم و الاصل السلطان سلطان محمود میرزا

از آنجا که خدمات لایقه نواب مستطاب شرف ارفع و الاثا بنامش ازده منظم ظل السلطان مندره فرما و حکمران ملک و ولایات اصحاب

دخات فارس و یزد و عراق و عربستان لرستان کردستان کرمانشاهان بروجرد و کلپایگان خوانسار و غیره همواره اوقات جزئیات و کلمات

مطبوع و مقبول خاطر خوشید مظاہر بندگان حضرت توشیوکت آقاسی همچون شاهنشاهی بدهنده تعالی مملکت است و آداب خدمتگداری
 و رسوم حکمرانی در عیت داری را فقط بر طبق مکتوبات ضمیر غیر منظور است نظراً آنرا آقاسی خسروانی مرتب و مقرر داشته اند لهذا در این
 اوقات محض اظهار مکرمتی بزرگت و عطای موبستی مخصوص در باره نواب مستطاب معظم لیکت ثوب سرداری مغفول و در ششمه وضع
 تمنا از لباس خاصه برسم خلعت با تاجار نواب معظم در محنت ارسال اصفهان خود ایشانرا نیز برسم سنوات با ضمیمه محض شرف اندوزی
 حضور همسایون موقفاً احضار در برابر سپهر قد از فرموده در عرش اول ماه ربیع الثانی وارد دار احسن لاله الباهره گردیدند و لدی الورد
 بحضور در ظهور همسایون تشریف جسته مورد مرام و الطاف خاصه شاهنشاهی و مکریمات مخصوصه حسنه و انعام مملکت شدند

جناب عصف المملکت وزیر حضور همسایون

جناب علی رضا خان عصف المملکت وزیر حضور همسایون خوانسار و خازن مهره آثار و انجمنی ایل صیقل قاجار که نسبتاً پسر مرحوم
 موسی خان بن امیر کبیر سلیمان خان قاجار توانمند و پدیدار از امر بزرگت و اعظم چاکران دولت قوی ارکان و متسین خانواده سلطنت جای
 نشان و حساباً بزیور عقل و دانش و کفایت و مزایای تربیت خاصه حضرت سلطنت و محاسن معلومات این عصر فرخنده آیت راسته
 مستند از مبادی عصرین نازمت حضور مهر ظهور و شرف خدمت خلوت همایونی با دستگیری عقل و یاقوت فطری طی مراتب چاکر
 نموده و یونانیوناً از طرف قرین اشرف شهبازی بر محنت و عاطفی مخصوص احصا صیامت در سال گذشته در دست ایشان بوده بر حسب
 از طرف دولت حامل خستهای طلا بجهت تهنیت کنش بامین هماین عسکرین علیهما السلام شده و بعراق عرب شده این خدمت شریف
 در کمال خوبی و شایستگی بانجام رسانیدند و در سنه ۱۲۸۵ بمقرب نبل عصف المملکت لقب و سرفراز و پس از چندی همان سال منصب خازنی
 مهره آثار مبارک که از مناصب جلیله است نایل گردیده و در سنه ۱۲۸۷ در کاب همیون بعثتبات عالیات تشریف جسته بعد از محبت
 حکومت دار المزمز از نذران عسلاوه سرداری ریاست قشون آنجا ضمیمه سایر مشاغل و مناصب ایشان گردید و بجناب حلیل جانبی نیز
 مخاطب شدند پس از قلیل زمانی بمنصب نظارت خاصه و خوانساری اعظم منصوب و سرفراز و در همان دوران نیز جزو دوزاری ریخته

در کلیه مصالح امور و جهام دولت مدخلت و مشاورت نمودند در سال ۱۲۹۰ در شرف ملازمت کاب همیون بسفر فرنگستان فته بعد از مراجعت
 علاوه بر سایر مشاغل و مناصب بمنصب نبل انجمنی گری ایل صیقل قاجار تبار یافتند و در سنه ۱۲۹۱ که کله قشون نظیر نون ایران بچهار بهره

و چهار سردار سپرده شد سرداری مشون زدران و استرآباد و سمنان و اصفهان شاه رود و بطام و کلپایگان خوانسار
 و قراول مخصوص و جود مبارک بایشان تفویض کردید و بعد از قلیل زمانی در جزیره وزرای عظمی امیر که لقب بوزرای قمار در بار عظمی بودند
 برقرار شدند در سنه ۱۱۰۰ وزارت عدلیه عظمی در ریاست صادق عدالت ممالک محروسه ضمیمه سایر شاغل و مناصب ایشان



کردید و در نود و پنج مجدداً در رکاب همیون بمسافرت فرنگستان مشه در مدای سال یک هزار و سیصد و پنجاه منصب جلیل وزارت حضور بایون
 نایل گردیدند و از بدایت حال با کون کلیه خدمت ایشان مرضی مقبول خاطر بایون شهرداری بوده و بسیارند و اکثر علایم و انبیا
 بزرگ این دولت و زافرون از نشانهای عظیم ایشان مثال بایون غیره ششمه مرصع و انبیا شری غیره

دارا همیشه اوقات جزو وزرای عظمی دارا شری کبری بوده و میباشند

بقیه روزنامه سفر سعادت اثر شاه شاه صاحبقران کنگرستان

روز پنجشنبه یازدهم صبح سوار شده کنار رودخانه کمر رود را که شش سربالارقیم حاصل اینجا با اسال حسیلی خوب شده و هیچ جا
کمر از تخمیده تخمیده است بعضی حاصل کندم که در دامنه کوه وزین شن زار کاشته بودند حال رسید و در و شد بود و
زراعت سایر ارضی از کنار رودخانه وزین خاکی و چمن غنی منور زرسیده و قهردده میت روزیکار داشت که بموقع در برسد
و غلبی منور سبز بود اول رسیدیم به کمر که این رودخانه با اسم آن معروف است اصل ده در بعله کوه مشاده و خانوار زیاد
دارد اشجار و باغات در دست چ جاده واقع است دست است وی تبه جلوده بعضی از تبه بوعراب است که در زمان
فتح ماندران اینجا آمده و مرده اند بالای متبداها مختص ثاری هم داشت از اینجا که شسته نیمه سنگی بالاتر رفیم تمام عرض راه حاصل
زرعت و آب اشجار سید بود اما راه صعبی ارد رسیدیم به بر دون که در وسط دره تنگی واقع است دهی است آباد خانوار زیاد و عمارت
خوب اشجار بسیار دارد از این که گذشته می رود به واتر کلا که آخر آبادی این دره است از ده اول اینجا کف سنگ است
قدری از این که گذشته و از پل چوبی عبور نموده توی زراعت اسپرس آفتاب کردن دند پیاده شده قدری ترحمت
کردیم از ده کمر دره دارد قدری بالا می رود دهی دیگر نیز پیدا است که همش اسر آب میکویند خلاصه تا دو ساعت بغروب
مانده در اینجا توقف نموده صنایع الدوله قدری روزنامه خواند بعضی نوشتجات و عیاض هم از شهر رسیده بود همه را ملاحظه
نموده جواب نوشته فرستادیم دو ساعت بغروب مانده سوار شده بطرف منزل اندیم منزل دره تنگی بود و همه چادرها را
نزدیک هم نهاده بودند

روز جمعه دوازدهم امروز باید پیش برویم صبح برخاسته سوار شدیم این سلطان و شجاع استلطنه دم در هر پرده حاضر
بودند چند نفر از صاحبان فوج مخبر شاقی هم که تازه از فارس آمده بودند در اینجا حضور رسیدند قدری با آنها صحبت
بعد اندیم همه جا از راه ساخته میرزا عبدالله خان آمدیم راه را بعلقه دست است انداخته و اسحقی راه خیلی خوبی بنا کرده همه جا قنار
مندی راه عرفی محکم بی عیبی الی دو ماساخته است اگر زراعت و حاصل مردم انالی در زمین نباشد همه طایفه این اه را از کنار رودخانه

هم می توان گفت اما محض اینکه خسارتی بزراعت مردم وارد نیاید این راه را غنیمت می دانیم ساخته اند بقیه در نمره آتیه
محمد حسن